

بررسی کیفی توانمندی‌ها و چالش‌های زنان کارآفرین بومی استان گیلان*

علی اکبر سالاری پور^۱، فاطمه یوسفی ویو^۲، بنیامین حسن زاده باغی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳)

چکیده

نقش زنان کارآفرین در توسعه به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تحول اقتصادی و اجتماعی در جهان امروز برجسته شده است. زنان کارآفرین بومی گیلان با داشتن توانمندی‌های بالقوه در زمینه‌های مختلف از جمله صنایع دستی، گردشگری و خدمات، می‌توانند نقش حیاتی در تقویت و توسعه اقتصادی استان ایفا کنند. با توجه به اهمیت موضوع در ایران، این پژوهش به بررسی چالش‌های پیش روی زنان کارآفرین استان گیلان و نقش آنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی و با توجه به ویژگی‌های فردی آنان صورت گرفت. در این راستا، از روش تحقیق کیفی بهره گرفته شد که طی آن ۲۸ بانوی کارآفرین گیلانی خبره در حوزه‌های کشاورزی، صنایع دستی و فناوری به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و در مطالعه مشارکت کردند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند استفاده شد. کلیه مصاحبه‌ها ضبط و پس از تبدیل به متن به روش گرانهایم و لاندمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. حاصل کدگذاری، ۱۲۲ کد باز، ۹ کدمحوری و ۳ مقوله اصلی است که «عوامل کلیدی محدودکننده در توسعه کسب‌وکارها»، «نقش‌آفرینی زنان کارآفرین در تحول اجتماعی و اقتصادی و اثرات چندگانه کارآفرینی بر زنان و خانواده» و «توانمندی‌ها و استراتژی‌های موفقیت زنان کارآفرین» از آن جمله است. با توجه به نتایج به دست آمده، موفقیت زنان کارآفرین در جوامع محلی، محصول تعامل میان محدودیت‌های نهادی و مالی، حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی و ظرفیت‌های فردی و مدیریتی آنان است. ترکیب تاب‌آوری، مهارت‌های مدیریتی و شبکه‌سازی اجتماعی، توان مقابله با موانع اقتصادی و ایجاد کسب‌وکارهای پایدار و اثرگذار را فراهم می‌کند. بنابراین، کارآفرینی زنان نه تنها فعالیت اقتصادی، بلکه محرکی برای تحول اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: توسعه اقتصادی، تحقیق کیفی، اقتصاد مشارکتی، کارآفرینی بومی، گیلان.

Doi: <https://doi.org/10.22034/jss.2025.2062617.1904>

• علمی - پژوهشی

۱ دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. (نویسنده مسئول).
salaripour@guilan.ac.ir

۲ پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
yousefiview@webmail.guilan.ac.ir

۳ پژوهشگر دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
hasanzadeh76@webmail.guilan.ac.ir

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نوزدهم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، ص ۱۰۲ - ۷۷

مقدمه و بیان مسئله

مفهوم کارآفرینی در تاریخ اقتصادی مفهوم جدیدی نبوده و پژوهشگران بسیاری رابطه قوی کارآفرینی و توسعه اقتصادی را نشان داده‌اند (سجاد و همکاران^۱، ۲۰۲۰). امروزه کارآفرینی به سرعت در حال تبدیل شدن به موتور رشد و توسعه اقتصادی در اقتصادهای جهانی است (رودهامبو^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). به عبارتی توسعه کارآفرینی پیشران مهمی در توسعه اقتصادی کشورها است (کوانگ و بو^۳، ۲۰۱۸).

ادبیات اخیر اقتصادی توجهی ویژه به ظرفیت کارآفرینی در رابطه با توسعه اجتماعی نیز داشته است (سجاد و همکاران، ۲۰۲۰). چرا که توسعه کارآفرینی علاوه بر گسترش فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، کاهش بیکاری و افزایش اشتغال و تولید، می‌تواند موجب تحولات بزرگ اجتماعی نیز شود (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ زیرا پویاترین منبع ایجاد شغل، رقابت سالم و ارتقای جامعه و افزایش نوآوری شناخته شده است (پنکو و همکاران^۴، ۲۰۲۰). توسعه کارآفرینی زنان منجر به توسعه اجتماعی-اقتصادی کشورها می‌شود (پندا^۵، ۲۰۱۸). بیانیه پنج هدف توسعه پایدار^۶ نیز کشورها را به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان فرا می‌خواند. در حقیقت، مشارکت اقتصادی زنان از مهم‌ترین اجزای توسعه و یکی از پنج هدف توسعه پایدار است (صادقی امروآبادی و بداغی^۷، ۲۰۲۱).

مطالعات کارآفرینی زنان به دنبال درک این موضوع است که زنان با توجه به ویژگی‌های بیولوژیکی و نقش‌ها و مسئولیت‌های مختلف خود، چگونه فعالیت‌های کارآفرینانه را توسعه می‌دهند (راتن^۸، ۲۰۲۳)؛ چرا که، زنان معمولاً فاقد فرصت‌های برابر با مردان، دارای محدودیت منابع و مسائل منحصربه‌فردی هستند (پندا، ۲۰۱۸).

از طرفی کارآفرینی بومی با تأکید بر توسعه اقتصادی-اجتماعی در جوامع بومی، اخیراً مطرح شده است (کانی^۹، ۲۰۲۱). که دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است و نشان می‌دهد جوامع بومی در سراسر جهان به روش‌های مختلف به دنبال توسعه اقتصادی و اجتماعی و غلبه بر فقر هستند (عبدرحمن و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۰). مردم بومی شامل جامعه‌ای از افراد با ویژگی‌های زبانی،

1 Sajjad et al

2 Rudhambu et al

3 Kuang and Bu

4 Penco et al

5 Panda

6 Sustainable Development Goal Five (SDGF)

7 Sadeghi Amroabadi & Boudaghi

8 Ratten

9 Cooney

10 Abd Rahman et al

فرهنگی و اجتماعی متمایز هستند که به عنوان اولین ساکنان آن قلمرو شناخته می‌شوند (پردو و جیمز^۱، ۲۰۰۶). تخمین زده می‌شود که دو سوم از مردم بومی جهان در آسیا زندگی می‌کنند، به عبارت دیگر تقریباً ۲۶۰ میلیون نفر نماینده ۲۰۰۰ تمدن و زبان متمایز هستند (اریکو^۲، ۲۰۱۷). بانک توسعه آسیایی تأیید می‌کند که زنان در آسیا سهم قابل توجهی در توسعه اقتصادی دارند، اما در مقایسه با مردان با محدودیت‌ها و فرصت‌های متفاوتی روبه‌رو هستند (میر^۳، ۲۰۱۸). ایران به عنوان یکی از ۹۰ کشوری که افراد بومی در آن زندگی می‌کنند؛ سنت‌های ویژه و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود را دارد و به عنوان بستر توسعه کارآفرینی بومی مورد توجه است. کارآفرینی بومی «یجاد، مدیریت و توسعه مشاغل جدید از سوی افراد بومی به نفع بومیان» است (عنابستانی و طولابی‌نژاد، ۱۴۰۳).

بر اساس آمار نیروی کار مرکز آمار ایران نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران برابر با ۱۳/۳ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت فعال اقتصادی را زنان تشکیل می‌دهند (فلاح حقیقی و همکاران، ۱۴۰۳). با این وجود در استان گیلان ۱۷/۳ درصد از زنان شاغل‌اند که نسبت به آمار کل کشور بالاتر بوده و نشان‌دهنده علاقمندی و تعهد بانوان این استان به مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). در این میان وجود برخی چالش‌ها و موانع اعم از موانع توسعه‌ای (موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) و موانع غیرتوسعه‌ای (وضعیت فیزیولوژیک زنان و نظام شخصیتی آنان) بر میزان رشد کارآفرینی زنان مؤثر بوده است (فلاح حقیقی و همکاران، ۱۴۰۳). در این راستا هدف این پژوهش تحلیل توانمندی‌ها، چالش‌ها، و نقش زنان کارآفرین بومی در توسعه اقتصادی و اجتماعی استان گیلان است.

سوالات پژوهش

۱. زنان کارآفرین بومی در استان گیلان چگونه بر تحول اجتماعی و اقتصادی منطقه زندگی شان تأثیرگذار هستند؟
۲. چه توانمندی‌ها و استراتژی‌هایی موجب موفقیت زنان کارآفرین بومی در استان گیلان می‌شود؟
۳. چالش‌های اصلی پیش‌روی زنان کارآفرین بومی در استان گیلان چیست؟

1 Peredo & James

2 Errico

3 Meyer

چارچوب مفهومی

کارآفرینی و مسائل آن

فرایند کارآفرینی شامل توانایی نوآوری در ایجاد یک محصول یا خدمات و انتخاب استراتژی مناسب بهتر از رقبا است (پورجوادی و همکاران، ۱۴۰۳). توسعه کارآفرینی پاسخی برای رفع مشکلات مناطق شهری و روستایی است که با ایجاد راهکارهایی جهت توانمندسازی اقشار گوناگون، می‌تواند نقش مهمی در امر توسعه ایفا نماید (بهمنی و همکاران، ۱۴۰۰). در این میان مشارکت زنان در فعالیت‌های کارآفرینی معمولاً با مسائل و مشکلاتی روبه‌روست. برخی از این چالش‌ها مربوط به مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و برخی دیگر به ویژگی‌های شخصیتی زنان وابسته است (فلاح حقیقی و همکاران، ۱۴۰۳). مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی بر سرراه اشتغال زنان در ایران شامل باورهای غلط اجتماعی مبنی بر عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها و عدم آگاهی زنان نسبت به حقوق خود است. مسئله اجتماعی در تحقق کارآفرینی زنان، ناکافی بودن آموزش، فرصت رشد و ارتقای شخصیت زنان نسبت به مردان بوده و چالش‌های اقتصادی شامل کارخانه‌داری بدون دستمزد، اختلاف دستمزد زنان و مردان، نوع مشاغل زنانه در ادامه نقش‌های سنتی زنان است (قاسمی، ۱۳۹۸). علاوه بر این فشارهای وارده بر زنان در دسته‌بندی فشارهای تنظیمی (مسائل مالی، هزینه‌ها، دسترسی به نیروی کار، مجوز، رقبا و مسئولین)، فشارهای هنجاری (فشار از سمت خانواده) و فشارهای تشخیصی (وظایف زن در خانواده، کمبود اعتماد به نفس و نادیده گرفتن خود) موجب ایجاد چالش‌ها و مشکلات فراوانی برای زنان در مسیر توسعه کارآفرینی می‌شود (تیزرو و همکاران، ۱۳۹۹). طبق مطالعات انجام شده ویژگی‌های فردی و شخصیتی زنان کارآفرین بر موفقیت آنان مؤثر بوده است که این عوامل شامل قدرت ریسک‌پذیری، عملگرایی، کنترل درونی، توفیق‌طلبی، سلامت فکری و چالش‌طلبی است (پاک‌خصال و سفیری، ۱۳۹۸). علاوه بر این تعامل سازنده با حصارهای ذهنی و اجتماعی، ارتقابخشی به خویشتن و اثبات‌گرایی می‌توانند عوامل خودتوانمندسازی زنان باشند (علی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱).

کارآفرینی بومی

کسب و کارهای کوچک بومی از طریق کشاورزی، جنگلداری، گردشگری بومی، صنایع دستی بومی، پرورش ماهی، گاو و بزوکشت بومی و هر آنچه که با منابع محیطی محلی - بومی ارتباط دارد شکل می‌گیرد (عبدالرحمن و همکاران، ۲۰۲۰). انواع مدل کارآفرینی بومی از جمله مدل کارآفرینی بومی

شهری، مدل کارآفرینی بومی مناطق دورافتاده و مدل کارآفرینی بومی روستایی هستند. بر این اساس کارآفرینی بومی شهری، در بافت‌های شهری پدیدار شده و بر ایجاد کار رسمی تمرکز دارد. این نوع کارآفرینی شباهت بیشتری به کارآفرینی کلاسیک دارد. مدل کارآفرینی بومی مناطق دورافتاده، برای جوامعی است که به شکل سنتی و دور از مدرنیته زندگی می‌کنند. مدل کارآفرینی بومی روستایی، یک مرحله میانی بین این دو مدل است (عنابستانی و طولابی‌نژاد، ۱۴۰۳). بر اساس تعریف هندل و موروز^۱ (۲۰۱۰)، کارآفرینی بومی به «فعالیت‌هایی که بر ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای جدید یا بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی با هدف ایجاد ثروت برای جامعه بومی» متمرکز است. این فعالیت‌ها ممکن است در بخش‌های خصوصی، عمومی یا غیردولتی انجام شوند و می‌توانند شامل تولید کالاها و خدماتی باشند که با فرهنگ و نیازهای جامعه بومی همخوانی دارند.

در این پژوهش، اصطلاح «زنان کارآفرین در جوامع محلی» برای اشاره به زنانی به کار رفته است که در جوامع محلی ساکن بوده و فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها مبتنی بر منابع، فرهنگ و محیط زیست محلی است. این انتخاب به منظور تأکید بر ماهیت فعالیت‌های اقتصادی و ارتباط آن‌ها با ویژگی‌های محلی صورت گرفته است.

جدول ۱- تفاوت کارآفرینی بومی و کلاسیک

کارآفرینی بومی	کارآفرینی کلاسیک (غربی)
تمرکز اصلی آن بر مردم است و بر اشیاء نیست.	تمرکز اصلی آن بر اشیاء و تولید است.
هدف کارآفرینی حفظ ارزش‌های فرهنگی، محیط زیست و تأمین معیشت بومیان است.	هدف کارآفرینی تولید و کسب سود است.
بر جنبه‌های زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌شود.	بر جنبه‌های اقتصادی تأکید می‌شود.
تحت تأثیر فرهنگ و جامعه است.	تحت تأثیر عوامل اقتصادی است.
منفعت جمعی، خانواده و جامعه مدنظر است.	بیشتر منافع شخصی مدنظر است.
عنصر اساسی سرمایه اجتماعی و جامعه است.	عنصر اساسی سرمایه اقتصادی و مالی است.
به شیوه زندگی بومی و روابط خویشاوندی وابسته است.	زیر سلطه سرمایه و نوآوری قرار دارد.

منبع: عنابستانی و طولابی‌نژاد، ۱۴۰۲

پیشینه پژوهش

در زمینه موضوع مورد پژوهش مطالعاتی صورت گرفته است؛ مطالعه الحاجی علی و سالیسو^۱ (۲۰۱۹) نشان داد که زنان در نیجریه، تحت سلطه مردان و در موقعیت‌های زیردست بوده و اشاره به عدم توانمندی زنان و نابرابری جنسیتی داشته و راهبرد توانمندسازی زنان از طریق کاهش تفاوت‌های جنسیتی و حفظ دسترسی برابر به آموزش و اقتصاد را پیشنهاد می‌کند. در مطالعه فلاح حقیقی و همکاران (۱۴۰۳)، نگرش سنتی و منفی به نقش زنان در فضای کسب‌وکار، بهره‌کشی از نیروی کار زنان و اثرات فردی، خانوادگی و فرهنگی اشتغال زنان به عنوان موانع اصلی مشارکت اقتصادی زنان مطرح شد. احمدی و زارع شاه‌آبادی (۱۴۰۲)، اذعان دارند که زنان جوامع محلی در کنار موقعیت انتسابی و جنسیتی، با تلاش خود و حمایت خانواده و دستیابی به تحصیلات دانشگاهی قدم در مسیر پیشرفت نهاده و با ورود به صحنه اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی مدرن کوشش مضاعفی برای افزایش رفاه مادی و گردش چرخه تولید کرده‌اند. همچنین کرامت و همکاران (۱۴۰۱)، تقویت هویت خانوادگی و شایستگی‌های فردی را جزو شرایط علی برای ورود زنان به کسب‌وکارهای خانوادگی دانسته، همراهی اجتماعی را به عنوان شرایط زمینه‌ای و چالش‌های خانوادگی را به عنوان شرایط مداخله‌گر، شناخته‌اند. رضایی و همکاران (۱۴۰۰)، نیز متغیر مؤثر بر کارآفرینی را عوامل اقتصادی-حمایتی معرفی می‌کنند. امیری (۱۴۰۰)، پیشران‌های کارآفرینی زنان را عوامل پیشران فردی، پیشران‌های محیطی و پیشران‌های ساختاری، اداری عنوان کرد. رفیعی و همکاران (۱۳۹۹)، نیز زمینه‌های توسعه کارآفرینی را، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌دانند. پژوهش کاکه‌برایی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان داد که هر چه شاخص فساد کشورها کاهش پیدا کرده، بر میزان کارآفرینی کشورها افزوده شده و بالعکس. پژوهش سارانی و همکارانش، (۱۴۰۳)، نشان داد که تأمین اعتبارات در بخش کارآفرینی بر سه نوع سرمایه انسانی، فیزیکی و مالی تأثیر مثبت داشته ولی بر سرمایه اجتماعی و طبیعی تأثیری نداشته است. جمشیدی و همکاران (۱۴۰۳)، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه کارآفرینی صیادی شمال کشور را در چهارسطح «حمایت و پشتیبانی»، «زیست محیطی و مدیریتی»، «توان بیولوژیک، اقتصادی، بازاری و تأمین منابع مالی» و «عوامل آموزشی و تحقیقاتی» دسته‌بندی کردند. سیپو و سارکر^۲ (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی توسعه چارچوب پویای یکپارچه کارآفرینی بومی روستایی در امارات متحده عربی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مدل‌های کارآفرینی بومی بیشتر بر شاخص‌های زمینه‌ای افراد بومی متمرکز است؛ به طوری که ویژگی‌های

1 Alhajiali & Salisu

2 Tipu & Sarker

فردی کارآفرینان بومی زمینه‌ساز موفقیت آنان می‌شود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که توسعه کارآفرینی و مطالعات آن دارای ماهیت میان‌رشته‌ای بوده و از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. مزایای توسعه کارآفرینی زنان در کشور و در جهان شامل مبارزه با فساد و فقر و توانمندسازی زنان و کاهش نابرابری‌های جنسیتی بوده است که این فعالیت با نوآوری گره خورده و در جهت توسعه جامعه ضروری تلقی گشته است. اما با وجود موانعی نظیر فساداداری، نابرابری آموزشی، انگیزشی، منابع و فرصت‌ها و عوامل محیطی و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و البته ضعف‌های شخصیتی ناشی از این موارد، دست یافتن به این هدف با چالش مواجه شده است. تحقیقات گذشته اغلب با رویکردی کلان و کمی، صرفاً به شناسایی موانع یا عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان پرداخته‌اند، این پژوهش با تمرکز بر زنان کارآفرین بومی استان گیلان و بهره‌گیری از روش کیفی و تحلیل محتوای استقرایی، درصد واکاوی تجربه‌های زیسته و فرایندهای زمینه‌ای اثرگذار بر موفقیت آنان است. نوآوری این پژوهش در رویکرد میان‌رشته‌ای و بومی‌محور آن است که با تلفیق مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فردی، به تبیین سیستمی و چندبعدی از کارآفرینی زنان در سطح محلی می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از نظر راهبرد پژوهش، از نوع تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی بر مبنای الگوی گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) است. جمع‌آوری داده‌ها به روش مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته است. جامعه هدف تحقیق شامل ۲۸ نفر از بانوان خبره کارآفرینی در حوزه‌های فرآورده‌های کشاورزی، صنایع دستی و بومی-محلی، خدماتی و فناوری بوده است. روش نمونه‌گیری به شکل هدفمند با توجه به سابقه کار، نوع کسب‌وکار، تحصیلات و مهارت‌های فنی و توانمندی‌های مدیریتی بوده است. مقیاس کسب‌وکار آن‌ها به صورت کارگاهی و تولیدی در نظر گرفته شده است. معیار انتخاب ۲۸ زن شرکت‌کننده در پژوهش بر اساس سابقه عملی قابل توجه در فعالیت‌های کارآفرینی، وسعت و مقیاس فعالیت‌ها و مشارکت مؤثر در توسعه کسب‌وکارهای محلی تعیین شد. بدین ترتیب، تمامی شرکت‌کنندگان از نظر تجربه عملی و شناخت حوزه کاری خود، واجد شرایط لازم برای ارائه دیدگاه‌های معتبر درباره چالش‌ها و توانمندی‌های زنان کارآفرین در جوامع محلی بودند. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۲۰ تا ۷۰ دقیقه بود. پس از مصاحبه بیست‌وچهارم کد جدیدی به دست نیامد، با این حال چهار مصاحبه دیگر جهت اطمینان از اشباع داده‌ها انجام شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی به روش گرانهایم و

لاندمن^۱(۲۰۰۴)، اجرا شد. این روش تجزیه و تحلیل یک روش سیستماتیک و رفت و برگشتی برای پردازش و تحلیل داده‌ها است که شامل مراحل: آماده‌سازی داده‌ها، تصمیم‌گیری در خصوص واحد تحلیل، طبقه‌بندی، آزمون و تثبیت کدگذاری در نمونه‌ای از متن، کدگذاری تمام متن، بررسی ثبات کدگذاری، نتیجه‌گیری از داده‌های کدگذاری شده و گزارش نحوه تحلیل داده‌ها و یافته‌ها است.

برای دستیابی به صحت و پایایی داده‌ها از معیارهای گوبا و لینکن شامل اعتبار، اطمینان‌پذیری، مقبولیت یا تأییدپذیری استفاده شد (گرانهایم و لاندمن، ۲۰۰۴). در این زمینه با مطرح نمودن یافته‌ها با مشارکت‌کنندگان و استفاده از نظرات تکمیلی آنان و همچنین درگیری طولانی مدت محقق با داده‌ها، اختصاص زمان کافی برای انجام مصاحبه‌ها و بررسی مداوم و مقایسه‌ای داده‌ها سعی در تأمین این معیارها شد.

یافته‌ها

۲۸ زن کارآفرین در این پژوهش شرکت کردند که سابقه کاری آنان بین ۷ تا ۳۵ سال بود. این بانوان ساکن شهرها و روستاهای استان گیلان بوده و در حوزه‌های خدماتی، تولیدات کشاورزی، فناوری، صنایع دستی و آموزشگاهی فعال بوده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲- ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کننده	سن (سال)	سابقه (سال)	حوزه فعالیت	شهرستان	نوع مصاحبه
۱	۶۰	۱۶	تولید و فراوری محصولات کشاورزی	تالش	تلفنی
۲	۵۵	۳۰	تولیدی و آموزشگاه خیاطی	رشت	تلفنی
۳	۳۸	۷	بوم‌گردی	رودبار	تلفنی
۴	۴۵	۲۰	تولیدی و آموزشگاه خیاطی	رشت	حضور
۵	۴۲	۲۰	تولیدی و آموزشگاه سفالگری	رشت	حضور
۶	۳۲	۱۲	تولیدی و آموزشگاه چرم‌دوزی و سازه‌های رزینی	رشت	حضور
۷	۵۶	۳۵	تولیدی چادرش‌بافی	چابکسر	تلفنی
۸	۴۲	۱۳	تولیدی جوراب	انزلی	تلفنی
۹	۵۳	۱۹	تولیدی و آموزشگاه فرش‌بافی	رشت	حضور

1 Granheim and Landman

بررسی کیفی توانمندی‌ها و چالش‌های زنان کارآفرین بومی استان گیلان

مشارکت‌کننده	سن (سال)	سابقه (سال)	حوزه فعالیت	شهرستان	نوع مصاحبه
۱۰	۳۴	۱۰	تولید محصولات دانش‌بنیان/شیمی / تولید کراتین از پشم	رشت	تلفنی
۱۱	۳۷	۱۳	بازاریابی و تبلیغات	رشت	تلفنی
۱۲	۶۱	۳۲	تولیدی و آموزشگاه خیاطی	آستارا	تلفنی
۱۳	۵۵	۳۵	گلیم بافی	آستارا	تلفنی
۱۴	۴۳	۱۸	صنایع دستی	آستانه اشرفیه	تلفنی
۱۵	۵۸	۲۶	تولیدات کالای خواب	فومن	تلفنی
۱۶	۴۴	۱۹	آموزشگاه موسیقی	رشت	حضور
۱۷	۳۹	۱۵	آموزشگاه هنرهای تجسمی	رشت	حضور
۱۸	۴۷	۱۱	پرورش قارچ	شفت	حضور
۱۹	۵۰	۳۴	حصیرباقی	رودسر	تلفنی
۲۰	۵۷	۳۲	تولیدات لباس محلی	سیاهکل	تلفنی
۲۱	۵۴	۲۵	پرورش توت‌فرنگی	شفت	تلفنی
۲۲	۳۴	۷	نوغانداری	شفت	تلفنی
۲۳	۳۵	۸	تولیدات چوبی سنتی	صومعه‌سرا	حضور
۲۴	۴۵	۱۱	بامبو بافی	لنگرود	تلفنی
۲۵	۴۸	۲۱	استخر ماهی	ماسال	تلفنی
۲۶	۴۲	۲۱	پرورش زنبور عسل	تالش	تلفنی
۲۷	۳۶	۹	باغداری	تالش	تلفنی
۲۸	۵۱	۲۵	پرورش مرغ و اردک	لاهیجان	تلفنی

پس از تجزیه و تحلیل متون مصاحبه‌ها، ۱۲۲ کدباز در ۳ مقوله اصلی دسته‌بندی شد. با وجود تنوع فعالیت در حوزه‌های کاری مشارکت‌کنندگان، این مقولات همه شمول هستند.

جدول ۳- مقولات اصلی و فرعی

مقولات اصلی	مقولات فرعی
نقش آفرینی زنان کارآفرین در تحول اجتماعی و اقتصادی و اثرات چندگانه کارآفرینی بر زنان و خانواده	تحول دیدگاه جامعه نسبت به زنان کارآفرین، تسهیل‌گری و حمایت در رشد مشاغل خانگی و اشتغال زنان، چالش‌ها و تعارضات میان زنان کارآفرین و خانواده.
توانمندی‌ها و استراتژی‌های موفقیت زنان کارآفرین	ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های مدیریتی.
عوامل کلیدی محدودکننده در توسعه کسب‌وکارها	مشکلات دسترسی به تسهیلات و انواع حمایت‌ها، موانع اداری، ناهماهنگی‌ها و فرآیندهای ناکارآمد، چالش‌های مالی و مدیریتی، تهدیدهای اجتماعی، اقتصادی.

۱. نقش آفرینی زنان کارآفرین در تحول اجتماعی و اقتصادی و اثرات چندگانه کارآفرینی بر زنان و خانواده

این مقوله دارای سه طبقه «تحول دیدگاه جامعه نسبت به زنان کارآفرین»، «تسهیل‌گری و حمایت در رشد مشاغل خانگی و اشتغال زنان» و «چالش‌ها و تعارضات میان زنان کارآفرین و خانواده» و مجموعاً شامل ۳۳ مفهوم است (جدول ۴).

جدول ۴- مقوله اصلی نقش آفرینی زنان کارآفرین در تحول اجتماعی و اقتصادی و اثرات چندگانه کارآفرینی بر زنان و خانواده

مقوله اصلی	کدهای محوری	کدهای باز(مفاهیم)
نقش آفرینی زنان کارآفرین در تحول اجتماعی و اقتصادی و اثرات چندگانه کارآفرینی بر زنان و خانواده	تحول دیدگاه جامعه نسبت به زنان کارآفرین	ضعف در پذیرش بانوان در کار خارج از منزل در سال‌های گذشته، احترام به بانوان کارآفرین و ارزشمندبودن کار زنان، عدم وجود نگاه جنسیت‌زده جامعه به زنان کارآفرین و تعدیل محدودیت‌های جنسی، رشد آگاهی عمومی در مورد کارآفرینی و بازشدن فضای فکری جامعه به کار زنان، ایجاد نگرش مثبت مردان با کار عام‌المنفعه زنان و تغییر ذهنیت آنان با دیدن توانمندی‌های زنان، جامعه متکثر با بازخوردهای متفاوت نسبت به بانوان کارآفرین؛ جلب رضایت جامعه با ارائه خدمات مستمر و صداقت در کار، ساخت و تقویت جایگاه اجتماعی؛ جلب احترام با روحیه خدمت به مردم، خلق ارزش برای جامعه‌ی هدف کار و دریافت بازخورد مثبت.

مقوله اصلی	کدهای محوری	کدهای باز(مفاهیم)
	تسهیل‌گری و حمایت در رشد مشاغل خانگی و اشتغال زنان	حمایت کارآفرینان زن از افراد مستعد رشد در کار؛ شناسایی افراد دارای مهارت و آموزش آنان جهت توسعه فردی و شغلی؛ تأمین ابزار مورد نیاز نیروی کار برای رشد اشتغال و بهره‌گیری از برون سپاری فعالیت‌ها و بهره‌گیری از کارکنان خانگی، کارآفرینی برای مردم به ویژه جوانان و ایجاد شغل برای آنان خصوصاً زنان نیازمند کار؛ نقش پررنگ حمایت جامعه از کارآفرین در موفقیت زن؛ تأثیرگذاری و الگوبودن زنان کارآفرین در جامعه و خصوصاً در بین زنان روستایی؛ موفقیت در توانمندسازی بانوان و تشویق آنان در جهت استقلال و توانگری؛ تابوشکنی زنان در انجام کارهای سخت.
	چالش‌ها و تعارضات میان زنان کارآفرین و خانواده	حمایت خانواده بعد از دیدن موفقیت شغلی زن و وجود مشوق‌ها از جانب خانواده، اولویت خانواده سبب موفقیت و توسعه در کار در صورت همکاری متناسب، رشد کسب و کار در گرو حمایت خانواده؛ ارتباط متقابل علاقه به کار و حمایت خانواده؛ قربانی شدن شغل با وجود تخصص در کار در صورت عدم فائق آمدن بر چالش‌ها؛ عدم لذت از مادربودن در صورت ناهماهنگی در زندگی و کار، هدررفت انرژی مفید زن در امور روزمره خانه، نداشتن زمان کافی برای کار زنان پس از تولد کودک، تعطیلی کسب و کار در صورت عدم همکاری و عدم درک و تعامل مشترک؛ عدم همراهی برخی مردان در شروع کار زنان و مخالفت با کارکردن زن در خانواده مذهبی، عدم موافقت مردان روستایی به حضور زن در نمایشگاه، تلاش به ادامه کار با وجود مشکلات خانوادگی، تأثیر ناکامی‌های اقتصادی بر روابط خانوادگی، نیاز به خودباوری و غلبه بر ترس در مادران کارآفرین در زمان بحران، چالش اشتغال خانوادگی در صورت استفاده از متد کسب و کار خانوادگی.

۱/۱. تحول دیدگاه جامعه نسبت به زنان کارآفرین

فعالیت‌های کارآفرینانه زنان باعث تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به نقش اقتصادی آنان شده است. پذیرش ارزش کار زنان و کاهش نگرش‌های جنسیت‌زده، ارتقای سرمایه اجتماعی و تقویت جایگاه اجتماعی زنان را به همراه داشته است. تعامل مستمر، صداقت و ارائه خدمات عام‌المنفعه موجب جلب احترام و رضایت جامعه و تقویت اعتماد به توانمندی‌های زنان شده است. این روند نشان می‌دهد که کارآفرینی زنان علاوه بر توانمندسازی فردی و اقتصادی، نقش مؤثری در تغییر فرهنگ اجتماعی دارد.

«من چون زن هستم مشکلات زیادی داشتم، زنان ما تو جامعه سنتی که قرار داریم اونم تو روستاها، خانواده‌های بسیار مذهبی و سنتی مخالفان ما بودند.. شرکت در نمایشگاه‌ها برای من خیلی سخت بود، اوایل همه مخالف بودند تا این که با تلاش‌های من این مشکل حل شد ... الان یه مقدار فضا بازتر شده مردهای ما آگاه‌ترن» (مشارکت کننده ۷، حوزه فعالیت چادرشب بافی با ۳۵ سال سابقه).

«اینکه می بینند یه خانمی داره انقدر فعالیت می کند و دنبال پول حلاله خیلی تأیید می کنند، مثلاً من وقتی میرم جایی که منو میشناسن به عنوان کارآفرین به بقیه معرفی می کنند و همه کلی تحسین می کنند و سوالهای تخصصی می پرسند» (مشارکت کننده ۲۵، حوزه استخراج ماهی با ۲۱ سال سابقه).

«اصلاً پذیرش این که یک خانمی پاشه بیاد کارآفرینی بکنه یا بخواد سرپرستی کارگاه رو داشته باشه ... یه کم از ذهن دور و بعید بود، می گفتند نه نمیتونی، موفق نمی شوی، شکست می خوری ولی الان همه منو به عنوان همکار قبول دارند» (مشارکت کننده ۱۴، حوزه صنایع دستی با ۱۸ سال سابقه).

۲.۱. تسهیل‌گری و حمایت در رشد مشاغل خانگی و اشتغال زنان

کارآفرینان زن با شناسایی استعدادها، ارائه آموزش و تأمین منابع مورد نیاز، زمینه توسعه فردی و اشتغال زنان را فراهم می کنند. ایجاد فرصت‌های شغلی برای جوانان و زنان نیازمند و الگوبودن آنان برای سایر زنان، اعتماد به نفس، تابوشکنی در فعالیتهای دشوار و مشارکت فعال در بازار کار را افزایش می دهد. حمایت هدفمند از زنان کارآفرین، علاوه بر توانمندسازی فردی، به تحول اجتماعی و اقتصادی جامعه نیز کمک می کند.

«... که مردم بیافند، کار کنند، دخترای جوان ما، زنانی جوان ما، تا انگیزه داشته باشند، تا به خودباوری برسند، تا یه درآمدی داشته باشند بیکار نباشند، این نقش‌ها یافته بشه یاد مردم نره . خدا را شکر نتیجه هم گرفتیم» (مشارکت کننده ۷، حوزه چادرشب بافی با ۳۵ سال سابقه).

«... ما که شروع کردیم به کار خیلی از خانم‌ها توی خونه فعالیتشونو زیاد کردن مثلاً یه زمانی شاید سبزی میکاشتن نمیدونستن با سبزی چیکار کنن الان سبزی، ماست، دوغ و تخم‌مرغشونو میارن به مسافران میفروشن بالاخره اونا هم تولید میکنن و میفروشن» (مشارکت کننده ۳، حوزه بومگردی با ۷ سال سابقه).

«هنرجویان پس از دوره، به کارگاه‌های دیگر یا مزون‌ها معرفی می‌شوند تا بتوانند توانایی‌های خود را ادامه دهند. شناسایی توانایی‌ها و هدایت افراد به جایگاه مناسب، کلید موفقیت است» (مشارکت‌کننده ۴، حوزه تولید و آموزشگاه خیاطی با ۲۰ سال سابقه).

۳.۱. چالش‌ها و تعارضات میان زنان کارآفرین و خانواده:

تبادل میان مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی زنان چالشی اساسی است. حمایت و همکاری خانواده نقش حیاتی در موفقیت زنان دارد و فقدان تعامل مناسب می‌تواند منجر به هدررفت انرژی، کاهش رضایت از مادربودن و تعطیلی کسب‌وکار شود. چالش‌های فرهنگی و مذهبی، به ویژه در مناطق روستایی، تعارضات را تشدید می‌کند. برای مدیریت این محدودیت‌ها، خودباوری، تاب‌آوری و هماهنگی میان اعضای خانواده ضروری است. تعامل مثبت خانواده، پیش‌شرط اساسی برای پایداری و موفقیت فعالیت‌های کارآفرینانه زنان محسوب می‌شود.

«بزرگترین چالش مادران کارآفرین در ایران، نبود حمایت و سازماندهی برای نگهداری کودکان است» (مشارکت‌کننده ۱۱، حوزه بازاریابی و تبلیغات با ۱۳ سال سابقه).

«جنسیت نمیتونه ملاک محدودیت فعالیت باشه... ولی واقعیت رو همیشه انکار کرد؛ یک زن در کنار شغلش باید بتونه بین کار و زندگی تعادل ایجاد بکند» (مشارکت‌کننده ۲۶، حوزه پرورش زنبورعسل با ۲۱ سال سابقه).

«تعادل بین کار و زندگی شخصی به حمایت همسر و خانواده وابسته است... همسر مثل یک کوه پشتم بود اول یکی از مخالفین بود ولی بعداً پشتم وایستاد و تمام سختی‌های کار من رو تحمل کرد» (مشارکت‌کننده ۱۵، حوزه کالای خواب با ۲۶ سال سابقه).

بر اساس این یافته‌ها کارآفرینی زنان با تأثیرات چندگانه اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی همراه است. تحول نگرش جامعه، حمایت و تسهیل‌گری محیطی و همکاری خانواده، یک شبکه پشتیبانی چندسطحی ایجاد می‌کند که توانمندسازی فردی، استقلال اقتصادی و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان را تقویت می‌کند. در مقابل، نبود حمایت اجتماعی، محدودیت‌های فرهنگی و تعارضات خانوادگی می‌تواند مانع رشد و پایداری فعالیت‌های کارآفرینانه شود. به این ترتیب، تعامل همزمان بین جامعه، نهادهای حمایتی و خانواده، کلید موفقیت و اثرگذاری بلندمدت زنان کارآفرین بر توسعه اقتصادی و تحول اجتماعی محسوب می‌شود.

۲. توانمندی‌ها و استراتژی‌های موفقیت زنان کارآفرین

این مقوله دارای دو طبقه «ویژگی‌های شخصیتی» و «مهارت‌های مدیریتی» و مجموعاً شامل ۳۹ مفهوم است (جدول ۵).

جدول ۵- مقوله اصلی توانمندی‌ها و استراتژی‌های موفقیت زنان کارآفرین

مقوله اصلی	کدهای محوری	کدهای باز (مفاهیم)
توانمندی‌ها و استراتژی‌های موفقیت زنان کارآفرین	ویژگی‌های شخصیتی	روحیه تلاش خستگی‌ناپذیر و اطمینان از توانایی‌های خویش؛ وجود علاقه، انگیزه، انرژی و امید و اعتماد به نفس برای آغاز فعالیت تولید و اراده قوی برای ادامه، قانون‌مداری و اطاعت از دستورالعمل‌ها، لزوم توانایی حفظ آرامش در مواقع بحران و چالش و غلبه بر ترس؛ کسب تجربه از ناملایمات کار، ایجاد تمرکز در مسیر کارآفرینی و نوآوری و خلاقیت، الگوگیری از افراد موفق برای ایجاد انگیزه فردی؛ شروع کار با لوازم ساده و دم دستی و امکانات موجود و عدم کمال‌گرایی، یادگیری مهارت در سنین جوانی، ورود آگاهانه به حرفه لازمه موفقیت، عدم اتکا و وابستگی به دولت، لزوم آموزش‌پذیری و مطالعات مستمر و تخصصی، همگام بودن با فناوری و تکنولوژی و استفاده از برنامه‌ریزی مناسب، توانایی انتقال اطلاعات کارآفرینی از طریق انتشار مقالات علمی، توانایی تأمین نیروی کار از طریق آموزش و شناسایی استعداد و معرفی به مکان درست، ارائه مشاوره شغلی مرتبط با تخصص برای نیروی کار و هنرجویان، برگزاری دوره‌های آموزشی در پارک علم و فناوری و سازمان‌هایی از جمله فنی و حرفه‌ای.
	مهارت‌های مدیریتی	توانایی مدیریت چالش‌های اقتصادی (نوسانات بازار و ...)، توانایی ذخیره و مدیریت سرمایه برای ادامه کار و آگاه‌بودن از مدیریت اقتصادی دخل و خرج، لزوم توانایی آموزش، جذب و حفظ نیروی کار متخصص، ضرورت آینده‌نگری و چشم‌اندازسازی کسب و کار؛ توانایی مدیریت زمان و بی‌توجهی به مسائل حاشیه‌ای حوزه کاری و آگاهی از تمامی جوانب کار، توانایی مدیریت بحران و تاب‌آوری در مواقع خاص و توانایی برنامه‌ریزی مجدد، ارائه راه‌حل‌های جایگزین و بهره‌گیری از همفکری و کار تیمی با راهبری کارآفرین، حمایت از کسب و کارهای همکاران و برقراری تعاملات کاری در جهت تسهیلگری از قبیل آموزش؛ گسترش ارتباطات با افراد توانمند و ارائه مشاوره‌های تخصصی، حضور در جلسات رسمی مرتبط با کارآفرینی و بازگونی‌مندن مطالبات، ضرورت ایجاد تعاملات دوستانه با کارمندان و نیروی کار؛ شرکت در نمایشگاه‌ها، رویدادها و ... برای معرفی محصول، استفاده از اهرم جذب نیروی کار برای تولید انبوه و فروش در سراسر کشور؛ جذب سرمایه‌گذار برای تهیه مواد اولیه و فروش، تضمین کیفیت محصول و مهارت استفاده از تبلیغ‌های مستقیم، فعالیت در فضای مجازی جهت ارتباط با سایر افراد و مجموعه‌ها و انجام تبلیغات، توانایی بهره‌مندی از فروش اینترنتی و روش‌های جذب مشتری در فضای مجازی خصوصاً اینستاگرام؛ تسلط بر بازاریابی و فروش محصول و چگونگی مذاکره با مشتریان؛ لزوم کسب تجربه برای ایجاد شرکت و تولید انبوه و توانایی حفظ کسب و کار، اهمیت بسترسازی رسانه ملی برای رقابت میان کارآفرینان، لزوم توجه به بازار جهانی و پیش‌بینی وضعیت اقتصادی تحت تاثیر بازار جهانی، توجه به جایگاه شغلی و میزان اشباع حوزه کاری و رصد رقیبان کاری.

۱.۲. ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین

ویژگی‌های شخصیتی زنان کارآفرین، بنیان موفقیت و پایداری فعالیت‌های آنان است. روحیه تلاش مستمر، اعتماد به توانایی‌های فردی، انگیزه، انرژی، امید و اراده قوی برای شروع و استمرار فعالیت‌ها، همراه با اعتماد به نفس و علاقه به کار، از پیش‌شرط‌های اساسی ورود به مسیر کارآفرینی محسوب می‌شوند. توانایی حفظ آرامش در شرایط بحرانی، غلبه بر ترس، کسب تجربه از ناملایمات، تمرکز، نوآوری و خلاقیت، و الگوگیری از افراد موفق، تاب‌آوری و عملکرد کارآفرینان زن را افزایش می‌دهد. همچنین آموزش‌پذیری، مطالعات مستمر، استفاده از فناوری و برنامه‌ریزی مناسب، انتقال دانش و تجربه، و توانایی آموزش و هدایت نیروی کار، به توسعه پایدار کسب‌وکار و ارتقای توانمندی سایر زنان کمک می‌کند.

«با توجه به اینکه من به خودم ایمان داشتم و می‌دونستم که هر کاری رو شروع بکنم درست انجام میدم و به نتیجه می‌رسونم، به حرفای دیگران توجهی نکردم» (مشارکت‌کننده ۱۸ حوزه پرورش قارچ با ۱۱ سال سابقه).

«ما برای اینکه به روز بمونیم مجبوریم آموزش ببینیم، مجبوریم هر روز با تکنولوژی روز دنیا پیش بریم» (مشارکت‌کننده ۱۰، حوزه شیمی با ۱۰ سال سابقه).

«ناامیدی اصلاً معنی نداره... اول و آخر خودمونیم، در نهایت دیگران می‌تونن کمک باشن، ولی اصل خودمونیم» (مشارکت‌کننده ۸، حوزه تولید جوراب با ۱۳ سال سابقه).

«آرامش خود را حفظ کردن در زمان چالش، بزرگ‌ترین کمک برای حل مسائل است. تجربه و مواجهه با ترس، باعث یادگیری و پیشرفت در مسیر کارآفرینی می‌شود» (مشارکت‌کننده ۲۱، حوزه پرورش توت‌فرنگی با ۲۵ سال سابقه).

۲.۲. مهارت‌های مدیریتی زنان کارآفرین

مهارت‌های مدیریتی زنان کارآفرین، نقشی محوری در توسعه و پایداری کسب‌وکار دارند. مدیریت چالش‌های اقتصادی، ذخیره و کنترل سرمایه، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی دقیق، تاب‌آوری در برابر نوسانات بازار و بحران‌ها را تضمین می‌کند. توانایی جذب، آموزش و حفظ نیروی کار متخصص، مدیریت زمان و تمرکز بر اهداف اصلی، بهره‌گیری از کار تیمی و ارائه راه‌حل‌های جایگزین، از مهارت‌های کلیدی مدیریتی محسوب می‌شوند. گسترش شبکه ارتباطی، مشاوره تخصصی، حضور در جلسات رسمی و نمایشگاه‌ها، بازاریابی و فروش اینترنتی، تسلط بر مذاکره و جذب سرمایه‌گذار،

همراه با تضمین کیفیت محصولات، نشان‌دهنده ترکیبی از دانش اقتصادی، تجربه عملی و مهارت‌های ارتباطی است که موفقیت و رشد پایدار زنان کارآفرین را تقویت می‌کند.

«نیروی کار که مشکلی ندارم خدا رو شکر همه به قول گفتنی با همدیگه دوستیم. کارگر و صاحب کار نداریم همه خواهریم... همه دور هم نشستیم یه لقمه از سفره برمی‌داریم. همه هوای همو داریم» (مشارکت‌کننده ۱۲، حوزه پوشاک با ۳۲ سال سابقه).

«دانش مدیریت بحران و تاب‌آوری به ما کمک کرد دوران کرونا و افزایش هزینه‌ها را مدیریت کنیم» (مشارکت‌کننده ۹، حوزه فرش‌بافی با ۱۹ سال سابقه).

«تمام سعی ام را دارم می‌کنم که حالا خیلی از اینی که الان هست بهتر بشه... اینکه حس خوب توی هنرجو هام ایجاد کنم، اینکه بتوانند به درآمد برسند خیلی برام مهمه» (مشارکت‌کننده ۲۴، حوزه بامبو بافی با ۱۱ سال سابقه).

«من خودم در دوره مدیریت که شغل‌های دیگه هم داشتم، دوره خصوصی مدیریت گذروندم» (مشارکت‌کننده ۱۶، حوزه آموزشگاه موسیقی با ۱۹ سال سابقه).

«با وجود مشکلات، عاشق تولید هستم و هدفم ایجاد اشتغال برای دیگران است، حتی اگر سودم کمتر باشه» (مشارکت‌کننده ۲۳، حوزه تولیدات چوبی با ۸ سال سابقه).

این دو مقوله فرعی نشان می‌دهد که موفقیت زنان کارآفرین نتیجه تعامل میان ویژگی‌های شخصیتی و مهارت‌های مدیریتی است. ترکیب انگیزه، اعتماد به نفس و تاب‌آوری فردی با مهارت‌های اقتصادی، مدیریتی و ارتباطی، یک شبکه توانمندساز ایجاد می‌کند که زنان را قادر می‌سازد با چالش‌های محیطی و اقتصادی مقابله کنند و کسب‌وکارهای پایدار و اثرگذار راه‌اندازی نمایند. این هم‌افزایی میان ظرفیت‌های فردی و مدیریتی، کلید توسعه و تأثیرگذاری بلندمدت زنان در عرصه کارآفرینی است.

۳. عوامل کلیدی محدودکننده توسعه کسب‌وکارها

این مقوله دارای چهار طبقه «مشکلات دسترسی به تسهیلات و حمایت‌های مالی»، «موانع اداری، ناهماهنگی‌ها و فرآیندهای ناکارآمد»، «چالش‌های مالی و مدیریتی» و «تهدیدهای اجتماعی، اقتصادی» است و در مجموع شامل ۵۰ مفهوم است (جدول ۶).

۱.۳. مشکلات دسترسی به تسهیلات و حمایت‌های مالی

کارآفرینان با محدودیت‌های جدی در دسترسی به تسهیلات دولتی و وام‌های نامتناسب مواجه‌اند که اعتماد آنان به نظام حمایتی را تضعیف می‌کند. نبود سازوکارهای تاب‌آوری در شرایط بحران و رکود، ضعف مدیریت صندوق‌های حمایتی و تبعیض‌های جنسیتی، فرصت‌های رشد و توسعه اقتصادی را محدود می‌سازد. علاوه بر این، فقدان تعامل دوسویه میان کارآفرینان و نهادهای تصمیم‌گیر و مشکلات مالکیت و کیفیت مکان تولید، ضعف‌های زیرساختی و نهادی موجود را برجسته می‌کند.

«...هیچ حمایتی همیشه یعنی میدونن داریم کار میکنیم جلساتی میذارن برامون و مشکلاتمون رو هم میپرسن ولی در عمل هیچ اتفاقی نمی‌افته... الان مشکل ما توی صنایع دستی اینه که اون بانکی که داره با ما کار می‌کنه اصلا دلش نمی‌خواد به اشخاصی که دارن کار می‌کنن وام بده» (مشارکت‌کننده ۵، حوزه فعالیت سفالگری با ۲۰ سال سابقه).

«تورم و تحریم دو عامل اصلی هستند که ما را پایین می‌آورد، حتی با تلاش و توانمندی شخصی» (مشارکت‌کننده ۲، حوزه خیاطی با ۳۰ سال سابقه).

جدول ۶- مقوله اصلی عوامل کلیدی محدودکننده توسعه کسب و کارها

مقوله اصلی	کدهای محوری	کدهای باز (مفاهیم)
عوامل کلیدی محدودکننده توسعه کسب و کارها	مشکلات دسترسی به تسهیلات و انواع حمایت‌ها	دسترسی نامناسب و ناکارآمدی تسهیلات دولتی و عدم رضایت از تسهیلات دریافتی، وجود موانع اداری طولانی و زمان‌بر و پروسه دشوار بهره‌مندی از تسهیلات، عدم استفاده از تسهیلات خیرین برای رشد کارآفرینی، وقوع اتفاقات نامعقول هنگام دریافت تسهیلات، عدم حمایت دولت در بازار کار، فروش محصولات و نمایشگاه‌ها، عدم تخصیص وام‌های کم بهره ویژه کارآفرینی، دسترسی بودن میزان دریافت وام، عدم حمایت دولت در زمان بحران و رکود، عدم تخفیف مالیاتی برای کارآفرینان، حمایت بیشتر از کارآفرین موجب افزایش اشتغال، تولید و فعالیت‌های اقتصادی، حمایت از دانش‌آموختگان رشته‌های مرتبط با تولید، لزوم حمایت میراث فرهنگی از تولیدات بومی و محلی استان، لزوم مشارکت و تبادل نظر میان کارآفرینان و مسئولان، لزوم مدیریت صندوق بحران توسط دولت، ایجاد صندوق حمایتی از زنان کارآفرین، عدم تقدیر مطلوب از بانوان کارآفرین و به رسمیت نشناختن آنان در جلسات رسمی، تشویق کارآفرینی از سمت دولت با وعده ارائه تسهیلات و متعهدنبودن به اجرای آن، عدم پاسخگویی واسطه‌ها به ویژه نمایندگان مجلس در حل مشکلات کارآفرینان، وجود مشکلات مالکیت و کیفیت مکان تولید، دشواری تردد بین شهری برای معرفی محصول در نمایشگاه‌ها و بازارها برای زنان.

مقوله اصلی	کدهای محوری	کدهای باز(مفاهیم)
موانع اداری، ناهماهنگی‌ها و فرآیندهای ناکارآمد		عدم موافقت سازمان‌ها جهت اخذ مجوز محصول پیش از تولید انبوه؛ عدم تسهیلگری در صدور مجوزها در شروع کسب‌وکار به دلیل وجود فساد اداری، عدم اعتبار مدارک دانشگاهی در صدور مجوزها، وجود قوانین سفت و سخت و انواع تبعیض‌ها در ادارات؛ عدم تعریف بیمه کارآفرینی برای نیروی کار؛ لزوم چاره‌اندیشی دولت برای کاهش نقش دلال‌های عرصه‌ی اقتصادی، عدم پیروی دستورالعمل‌ها از یک فرآیند واحد برای توسعه کارآفرینی، عدم برنامه‌ریزی‌های کلان در برندسازی و صادرات محصول کارآفرینان، عدم وجود قوانین حمایتگر توسعه کسب‌وکارهای بومی و محلی، عدم حمایت از تولید و حمایت از واسطه‌گری به جای تولید، صرف انرژی و زمان کارآفرینان در ادارات دولتی؛ فقدان هماهنگی میان سازمان‌ها برای ارائه تسهیلات به ویژه عدم همکاری بانک‌ها با سازمان‌ها، تفاوت در همگرایی بین سازمانی در استان گیلان با سایر استان‌ها، فقدان اختیار سازمان‌ها برای حمایت‌های مالی از کارآفرینان بخش خود و ارجاع آنان با بانک‌ها؛ ضعف مدیریت یکپارچه و کوتاه‌بودن عمر مدیریتی، عدم اجماع و تشکیل یک هدف واحد برای مشاغلی نظیر بومگردی و گردشگری.
چالش‌های مالی و مدیریتی		کمبود نیروی متخصص و دائمی با وجود رقابت میان هم صنفیان برای ارائه امتیازات بیشتر و جذب نیروی متخصص، ضعف آگاهی عمومی و آموزش در نسل گذشته و آموزش ایده‌های جدید، نیاز به پشتیبانی‌های مشاوره‌ای و طراح متخصص و متخصصان فروش، اهمیت سابقه کار زنان در امور کاری، وجود چالش‌های تأمین اعتبارات با وجود عدم ثبات سرمایه‌های در گردش، طولانی بودن مسیر موفقیت در کارآفرینی و نیاز به استفاده از پس‌اندازها و اندوخته‌های شخصی، نیاز به عملکردهای شفاف کارآفرین برای تأمین مواد اولیه و جلب اعتماد متقابل میان فروشنده مواد اولیه و کارآفرین در شرایط بحرانی، ضعف استان در جذب سرمایه‌گذار.
تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی		وابستگی مشاغل خدماتی به کارفرمایان و تحت تأثیر عوامل خارجی نظیر جذب گردشگر در بوم‌گردی‌ها، لزوم پیشرفت همه‌جانبه و افزایش توانمندی فردی و اقتصادی؛ شیوه نامطلوب مطالبه‌گری در استان، عدم تعامل میان زنان کارآفرین استان، دشواری امر تولید و سود پایین کار با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی کشور و خروجی نامتعادل اقتصادی، سوء استفاده از برند محصولات ایرانی در سایر کشورها.

« پانزده ساله نتوانستیم تسهیلاتی دریافت کنیم... یا سودش خیلی بالاست، یا وقتی می‌خواهند بدهند به ما نمی‌رسد، ترجیح دادیم با پول خودمون کار کنیم» (مشارکت‌کننده ۱۷، حوزه هنرهای تجسمی با ۱۵ سال سابقه).

«همیشه وقتی که میدونن دارین کار میکنین میان یه دفعه یه شو راه میندازن... مشکلاتی گفتیم، هرچی، هیچ اتفاقی نیوفتاد، فقط یه شو بود» (مشارکت‌کننده ۱، فرآوری کشاورزی با ۱۶ سال سابقه).

«شعارشون وام ۴ درصده ولی وقتی که حساب میکنی با اون شرایطی که دارن آخر کار ۴ درصد نیست چیزی حدود ۲۰ درصد» (مشارکت‌کننده ۱۹، حوزه حصیربافی با ۳۴ سال سابقه).

۲.۳. موانع اداری، ناهماهنگی‌ها و فرآیندهای ناکارآمد

پیچیدگی‌های اداری، فساد ساختاری، ناهماهنگی میان سازمان‌ها و کوتاه بودن دوره مدیریتی، روند صدور مجوز و اجرای فعالیت‌های اقتصادی را کند و پرهزینه کرده است. فقدان قوانین حمایتگر برای کسب‌وکارهای بومی، اولویت‌دهی به واسطه‌گری به جای تولید و نبود اجماع نهادی، نشانه‌ای از غلبه رویکرد مقطعی و ناکارآمد در سیاست‌گذاری اقتصادی است که موجب کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد کارآفرینان به نهادهای حاکمیتی می‌شود.

«این مجوز ما یه داستان خیلی طولانی داره که برای منی که رشته صنایع دستی خوندم خیلی سخت و طاقت فرسا بوده... اون زمان نقد سخت بود که هیچ کس نمی‌تونست مجوز بگیره هر کی هم میگرفت باید فلان قدر هزینه می‌کرد» (مشارکت‌کننده ۶، حوزه فعالیت چرم دوزی با ۱۲ سال سابقه).

«اصلا انگار یک کاری میکنن که وام ندن... ضامن بازار رو اصلا قبول ندارن این پروسه ۶ ماه ۷ ماه طول میکشه بعدم یه سنگی میندازن جلو پات که اصلا نتونی وام بگیر» (مشارکت‌کننده ۲۷، حوزه باغداری با ۹ سال سابقه).

«ساختار اداری و همگرایی بین دستگاه‌ها در استان ما ضعیف است و مشکلات کارآفرینان را بیشتر می‌کند در استان‌های دیگر همگرایی دستگاه‌ها بهتر است؛ در گیلان همگرایی ضعیف و این باعث عقب‌ماندگی می‌شود» (مشارکت‌کننده ۹، حوزه فرش‌بافی با ۱۹ سال سابقه).

«بزرگترین چالش من در یک محصول، مجوز سازمان غذا و دارو بود که نزدیک دو سال روند قانونی آن طول کشید» (مشارکت‌کننده ۱۸، حوزه پرورش قارچ با ۱۱ سال سابقه).

۳.۳. چالش‌های مالی و مدیریتی

کمبود نیروی متخصص و دائمی، ضعف آموزش و محدودیت دسترسی به مشاوره تخصصی، محدودیت سرمایه و نبود ساختار مدیریتی منسجم، بهره‌وری و تاب‌آوری مالی کسب‌وکارها را

کاهش می‌دهد. وابستگی به منابع شخصی، طولانی بودن مسیر دستیابی به موفقیت و ضعف در جذب سرمایه‌گذار، فشارهای مالی و مدیریتی را تشدید کرده و رشد پایدار کارآفرینی را با مخاطره مواجه می‌سازد.

«به هر حال تأمین اعتبارات بخش مهمی از کار ماست که باید حتماً به سرمایه اولیه‌ای داشته باشیم ... سرمایه در گردش ما خیلی دچار بحران میشه گاهی اوقات مجبوریم که از خیلی از مسائلمون بزنیم و اندوخته شخصیمون رو خرج کنیم» (مشارکت‌کننده ۲۰، حوزه فعالیت خیاطی تولیدات لباس محلی با ۳۲ سال سابقه).

«دغدغه‌های من بیمه باید بکنیم کارگرارو و بیمه‌مون اجباریه که واقعاً سنگینه» (مشارکت‌کننده ۲۲، حوزه نوغانداری با ۷ سال سابقه).

«وجود واسطه‌ها و دلال‌ها مانع توسعه مستقیم تولید و فروش ما است. دولت تنها مجوز می‌دهد؛ ایجاد بازار، فروش و منابع انسانی بر عهده کارآفرین است» (مشارکت‌کننده ۲۱، حوزه پرورش توت‌فرنگی با ۲۵ سال سابقه).

۴.۳. تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی

وابستگی مشاغل به کارفرمایان، حساسیت به تغییرات بازار و گردشگری، سود پایین و دشواری تولید، محدودیت شبکه‌سازی میان زنان کارآفرین و سوءاستفاده از برندهای ملی، ریسک‌های محیطی و اجتماعی کسب‌وکارها را افزایش می‌دهد. این شرایط نشان می‌دهد که محیط اقتصادی و اجتماعی نامتعادل، فرصت‌های رشد و توسعه کسب‌وکارها را محدود کرده و تاب‌آوری آن‌ها را کاهش می‌دهد.

«چیزی که من کارآفرین می‌خوام اینه که تا قبل از بازنشستگی کار رو جمع بکنم که تقدیم به نسل جوان با توسعه بدم نه با شکست» (مشارکت‌کننده ۱۳، حوزه گلیم بافی با ۳۵ سال سابقه).
«کار ما وابسته به میزان جذب گردشگر و فرهنگ گردشگری و همچنین برنامه دولت در این خصوص است، یعنی اگه روی گردشگری کار نشه ما عملاً کارمون رو از دست می‌دهیم» (مشارکت‌کننده ۳، حوزه بومگردی با ۷ سال سابقه).

«تا وقتی که حمایت از تولید ایرانی توسط مردم نباشه و دولت هم نقش مهمی در واردات داره ، ما باید همینطور با مشکلات دست به گریبان باشیم در سیاست‌ها حمایت هست ولی در عمل اقتصاد تولیدی داره نابود میشه» (مشارکت‌کننده ۶، حوزه چرمدوزی و رزین با ۱۲ سال سابقه).

بر اساس یافته‌ها «مشکلات دسترسی به تسهیلات و حمایت‌های مالی»، «موانع اداری و ناهماهنگی‌های نهادی»، «چالش‌های مالی و مدیریتی» و «تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی» به صورت متقابل و هم‌پوشان، محدودیت‌های کلانی در توسعه کسب‌وکارها ایجاد می‌کنند. ناکارآمدی نظام حمایتی و محدودیت دسترسی به تسهیلات، همراه با فرآیندهای اداری پیچیده و فساد ساختاری، منابع و فرصت‌های لازم برای فعالیت اقتصادی را کاهش داده و اعتماد کارآفرینان به نهادهای حاکمیتی را تضعیف می‌کند. این محدودیت‌ها در ترکیب با چالش‌های مالی و مدیریتی نظیر کمبود نیروی متخصص، ضعف مدیریت منابع و محدودیت سرمایه، بهره‌وری و تاب‌آوری کسب‌وکارها را کاهش داده و مسیر دستیابی به موفقیت را طولانی و پرریسک می‌سازند. از سوی دیگر، تهدیدهای اجتماعی و اقتصادی شامل آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازار، سود پایین و ضعف شبکه‌سازی، سطح ریسک فعالیت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، تعامل پیچیده این زیرمقوله‌ها یک چرخه محدودکننده ایجاد می‌کند که ضعف‌های نهادی، محدودیت منابع و ناپایداری محیطی را به یکدیگر پیوند زده و رشد پایدار کسب‌وکارها را با مانع مواجه می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که زنان کارآفرین در استان گیلان، فعالیت‌های اقتصادی خود را با تکیه بر منابع، دانش و فرهنگ محلی هدایت می‌کنند و این فعالیت‌ها با ویژگی‌های کارآفرینی بومی همخوانی کامل دارد. زنان مشارکت‌کننده با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خانوادگی، حمایت جامعه و نیروی کار محلی، مشاغل خانگی و شرکت‌های خانوادگی ایجاد کرده‌اند که همزمان ارزش اقتصادی و اجتماعی تولید می‌کنند. این کارآفرینی بومی شامل توجه به منافع جمعی، حفظ و ترویج فرهنگ و مهارت‌های محلی، و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای جوانان و زنان نیازمند است. یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان علاوه بر فعالیت اقتصادی، نقش الگویی اجتماعی برای جامعه محلی ایفا می‌کنند و با تمرکز بر خودکفایی و استفاده از امکانات موجود، وابستگی به دولت را کاهش داده و ابتکار و خلاقیت خود را در حل مسائل عملی به کار گرفته‌اند.

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت زنان کارآفرین گیلانی محصول تعامل پیچیده و هم‌افزا میان سه حوزه اصلی است: اول، محیط نهادی و ساختاری که محدودیت‌ها و فرصت‌ها را شکل می‌دهد؛ دوم، حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی که تاب‌آوری، اعتماد به نفس و انگیزه زنان را تقویت می‌کند و سوم، ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی زنان که شامل روحیه تلاش، خلاقیت، برنامه‌ریزی، مدیریت منابع و شبکه‌سازی است. محدودیت‌های اقتصادی و مالی شامل دسترسی

محدود به تسهیلات، فرآیندهای اداری پیچیده، فساد ساختاری و کمبود نیروی متخصص، همراه با تهدیدهای محیطی مانند نوسانات بازار، سود پایین و ضعف شبکه‌های ارتباطی، چرخه‌ای محدودکننده ایجاد می‌کنند که رشد پایدار کسب‌وکارها را با مانع مواجه می‌سازد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاحات نهادی و تسهیل‌گری در دسترسی به منابع مالی و کاهش بوروکراسی، پیش‌شرط موفقیت زنان کارآفرین است.

در مقابل، حمایت چندسطحی جامعه، نهادهای محلی و خانواده، یک شبکه توانمندساز ایجاد می‌کند که تاب‌آوری، اعتماد به نفس و استقلال اقتصادی زنان را ارتقا می‌دهد. این حمایت‌ها نه تنها محدودیت‌های فرهنگی و نگرش‌های جنسیتی را کاهش می‌دهند، بلکه زمینه را برای مشارکت فعال زنان در اقتصاد بومی و اجتماعی فراهم می‌آورند. ویژگی‌های شخصیتی زنان مانند انگیزه، اعتماد به نفس، خلاقیت و تاب‌آوری، در تعامل با مهارت‌های مدیریتی شامل برنامه‌ریزی، مدیریت سرمایه، شبکه‌سازی و بازاریابی، موجب غلبه بر محدودیت‌ها و تهدیدهای محیطی می‌شود. این هم‌افزایی نشان می‌دهد که زنان کارآفرین گیلان، با بهره‌گیری از منابع محلی، دانش سنتی و ظرفیت‌های فرهنگی جامعه، کارآفرینی بومی ایجاد کرده‌اند که هم ارزش اقتصادی و هم ارزش اجتماعی تولید می‌کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، موانع اقتصادی و مالی، به‌ویژه دسترسی محدود به منابع مالی، بوروکراسی اداری پیچیده و نبود نظام حمایتی مستمر، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی زنان کارآفرین در استان گیلان هستند. از سوی دیگر، این پژوهش توانسته است استراتژی‌های عملی و بومی زنان کارآفرین برای غلبه بر چالش‌ها را شناسایی کند، از جمله برنامه‌ریزی دقیق، بهره‌گیری از مشاوره‌های تخصصی، توسعه شبکه‌های اجتماعی و تجاری، و استفاده از فناوری‌های نوین. این یافته‌ها، نشان می‌دهد که زنان کارآفرین گیلانی از ویژگی‌های شخصیتی خود به‌گونه‌ای بهره می‌برند که نه تنها کسب‌وکارهای پایدار ایجاد می‌کند، بلکه اثرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی نیز دارد.

زنان کارآفرین مورد مطالعه، فعالیت‌های اقتصادی خود را با اتکا بر منابع، دانش و فرهنگ محلی طراحی و هدایت می‌کنند و این فعالیت‌ها با ویژگی‌های کارآفرینی بومی (عنا بستانی و طولابی نژاد ۱۴۰۲) همخوانی دارد. بررسی تعامل میان محدودیت‌های اقتصادی و نهادی، حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی و ظرفیت‌ها و مهارت‌های فردی زنان، نشان می‌دهد که توسعه کارآفرینی در این جوامع، بیش از یک فرآیند اقتصادی ساده، نیازمند رویکردی جامع و بومی‌محور

است. این تحلیل هم‌زمان و چندلایه، وجه تمایز این مطالعه با پژوهش‌های پیشین است و دستاورد جدیدی در درک نقش زنان کارآفرین در توسعه پایدار جامعه محلی ارائه می‌دهد.

پیشنهادها

۱. اصلاح نظام حمایتی و کاهش بوروکراسی: تسهیل فرآیندهای اداری، ایجاد صندوق‌های حمایتی ویژه زنان و دسترسی آسان‌تر به تسهیلات مالی، روند راه‌اندازی و رشد کسب‌وکارها را تسریع خواهد کرد.
۲. تقویت زیرساخت‌های مالی و آموزشی: ارائه وام‌های کم‌بهره، تخفیف‌های مالیاتی و دوره‌های آموزشی تخصصی در زمینه‌های مدیریتی، بازاریابی و مهارت‌های فنی، توانمندی زنان را افزایش خواهد داد.
۳. حمایت از شبکه‌سازی و ارتباطات تجاری: تشکیل شبکه‌های زنان کارآفرین، برگزاری همایش‌ها و فراهم کردن فرصت‌های همکاری و مشاوره، دسترسی آنان به بازارها و منابع جدید را تسهیل خواهد کرد.
۴. حمایت فرهنگی و اجتماعی: آموزش عمومی و حمایت خانواده‌ها، تعادل بین کار و زندگی شخصی را برای زنان فراهم می‌کند و انگیزه مشارکت آنان را افزایش خواهد داد.
۵. تشویق به فناوری‌های نوین: ارائه آموزش‌های مرتبط با تجارت الکترونیک و بازاریابی دیجیتال، زمینه رشد بیشتر کسب‌وکارهای زنان را فراهم خواهد کرد.
۶. ترویج و توسعه کارآفرینی بومی: ارائه الگوهای موفق زنان کارآفرین گیلان به سایر مناطق و ترویج استفاده از منابع محلی، دانش سنتی و فرهنگ جامعه برای توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی.

منابع

- احمدی، م. و زارع شاه‌آبادی، ا. (۱۴۰۲). زمینه‌های مرتبط با تعادل بین کار و زندگی در زنان شاغل متأهل شهر سنندج. *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۲۶(۱۰۲)، ۷-۳۲.
- امیری، ص. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل پیش‌برنده تامین مالی جمعی زنان کارآفرین حوزه کشاورزی. *نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار در کشاورزی*، ۸(۱)، ۳۱-۵۰.
- بهمنی، ا؛ قدیری، م؛ حاجیلو، م؛ عظیمی، ف. و قدیری معصوم، م. (۱۴۰۰). بازاندیشی در وجوه مؤثر بر توسعه گردشگری کشاورزی و زمینه‌های کارآفرینی مناطق روستایی (مورد مطالعه: روستاهای استان تهران). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۳)، ۳۱۵-۳۳۴.
- پاک‌خصال، ا. و سفیری، خ. (۱۳۹۸). بررسی تاثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی زنان کارآفرین بر موفقیت کارآفرینی. *فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۶)، ۱۱۵-۱۳۸.
- پورجواد، ا؛ کاباران‌زادقدیم، م. ر. و عدالتیان‌شهریازی، ج. (۱۴۰۳). طراحی مدل بازاریابی کارآفرینانه در تامین کالاهای صنعت گردشگری در استان خراسان رضوی. *نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۱۱(۳)، ۱۴۷-۱۶۸.
- تیزرو، ع؛ مکی‌زاده، و؛ فتحی، م. و سقائی، ف. (۱۳۹۹). بررسی دیدگاه زنان کارآفرین ایرانی به فشارهای نهادی. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۱(۳)، ۶۷-۸۴.
- جمشیدی، ا؛ شفيعی، ف. و حافظیه، م. (۱۴۰۳). تحلیل مولفه‌های تاثیرگذار بر توسعه کارآفرینی فناورانه و نوآورانه در صید و صیادی استان‌های شمالی کشور. *نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۱۱(۲)، ۹۴-۱۱۵.
- رضایی، م؛ صادقی، ن. و عزیزی، ش. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی شهری در راستای دستیابی به اقتصاد پایدار (مطالعه موردی: شهر نجف آباد). *مجله پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری*، ۹(۱)، ۲۰۹-۱۸۹.
- رفیعی، ش؛ فتحی، س. و شیری، ط. (۱۳۹۹). بررسی زمینه‌های توسعه کارآفرینی از دیدگاه زنان کارآفرین استان گیلان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲(۲)، ۱۱۷-۱۲۹.
- سارائی، ن؛ شریف‌زاده، م.ش. و عبدالله‌زاده، غ. (۱۴۰۳). پیامدسنجی اعتبارات خرد بر معیشت خانوارهای روستایی. *نشریه مطالعات کارآفرینی و توسعه پایدار کشاورزی*، ۱۱(۲)، ۱۴۱-۱۶۰.
- علی‌نژاد، م؛ موسوی، ز. و پارسامهر، م. (۱۴۰۱). مطالعه الگوی خودتوانمندی زنان کارآفرین یزد: تعامل سازنده با حصارهای ذهنی و اجتماعی. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۲۰(۳)، ۴۱۵-۴۴۰.
- عنابستانی، ع. و طولابی‌نژاد، م. (۱۴۰۳). کارآفرینی بومی روستایی: زمینه‌ای نو در تحقیقات روستایی ایران. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۴(۷۲)، ۴۴۷-۴۷۰.

- عنابستانی، ع. و طولابی‌نژاد، م. (۱۴۰۲). واکاوی مزیت‌های رقابتی کارآفرینی بومی روستایی در ایران. *نشریه برنامه‌ریزی فضایی*، ۱۳(۵۰)، ۱-۲۸.
- فلاح حقیقی، ن.؛ شریفی، ز. و احمدی، ح. (۱۴۰۳). واکاوی موانع مشارکت اقتصادی زنان در استان یزد. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۳۲(۱)، ۳۹-۶۵.
- قاسمی، ف. (۱۳۹۸). بررسی رویکردهای مشارکت و اشتغال زنان با تکیه بر اقتصاد بومی در جوامع روستایی ایران. *نشریه جغرافیا و روابط انسانی*، ۴۱(۴)، ۵۴۱-۵۶۲.
- کاکه برایی، ا.؛ دل‌انگیزان، س. و سهیلی، ک. (۱۳۹۶). فساد اداری و تاثیر آن بر توسعه کارآفرینی: شواهدی از مؤسسه دیده‌بان کارآفرینی. *نشریه مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۶(۱)، ۱۳۱-۱۴۲.
- کرامت، ر.؛ عباسی، ر. و فلاح، م. (۱۴۰۱). ارائه چارچوبی برای ورود زنان به حوزه کسب‌وکارهای خانوادگی. *نشریه زن در توسعه و سیاست*، ۲۰(۱)، ۸۷-۱۰۸.
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). سالنامه آماری کشور ۱۴۰۰. ریاست، سازمان برنامه و بودجه کشور. تهران، صفحه ۸۷۳.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۱). سالنامه آماری استان گیلان ۱۴۰۱. سازمان برنامه و بودجه کشور. تهران، صفحه ۱۵۹.

- Abd Rahman, S. Mohb Said, H. & Rashid Ali, S. (2020). "Exploring Development of Indigenous Entrepreneurship among the Semai community at Batang Padang District Perak, Malaysia", *Tourism Development Centre International Conference*, 3, 269-280.
- Alhajiali M. & Salisu, Y. (2019). "Women Entrepreneurship and Empowerment Strategy for National Development", *Journal of Economics, Management and Trade*, 22(3): 1-13.
- Errico, S. (2017). "The rights of indigenous peoples in Asia", *International Labour Organization*, Geneva, Switzerland.
- Hindle, K., & Moroz, P. W. (2010). "Indigenous entrepreneurship as a research field: Developing a definitional framework from the emerging canon", *International Entrepreneurship and Management Journal*, 6(4), 357-385.
- Kuang, Y. & Bu, Y. (2018). "Evaluation and Prediction of Urban Entrepreneurship Environment in China: A Case of Guangzhou City", *Journal of Service Science and Management*, 11(4), 414-432.
- Meyer, N. (2018). "Research on Female Entrepreneurship: Are we doing enough", *Olish Journal of Management Studies*, 17(2).
- Panda, S. (2018). "Constraints faced by women entrepreneurs in developing countries: review and ranking", *Gender in Management: An International Journal*, 33(4), 315-331.
- Penco, L., Ivaldi, E., Bruzzi, C. & Musso E. (2020). "Knowledge-Based Urban Environments and Entrepreneurship: Inside Eu Cities", *Cities*, 96, 1-17.
- Peredo, A. & James, C. (2006). "Toward a Theory of Community-Based Enterprise", *The Academy of Management Review*, 31(2), 309-328.
- Ratten, V. (2023). "Entrepreneurship: Definitions, opportunities, challenges, and future directions", *Global Business and Organizational Excellence*, 42(5), 79-90.

- Rudhumbu N., Du Plessis, E. C. & Maphosa, C. (2020). "Challenges and opportunities for women entrepreneurs in Botswana: revisiting the role of entrepreneurship education", *Journal of International Education in Business*, 13(2), 183-201.
- Sadeghi Amroabadi, B. & Boudaghi, A. (2021). "Identifying and ranking factors affecting women's economic participation in Khuzestan province with an emphasis on interpretive structural modeling", *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 10(1), 1-24.
- Sajjad, M., Kaleem N., Chani, M. I. & Ahmed, M. (2020). "Worldwide role of women entrepreneurs in economic development", *AsiaPacific Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 14(2), 151- 160.
- Tipu, A. & Sarker, A. (2019). "Developing an Integrative Dynamic Framework of Indigenous Entrepreneurship: The Case of United Arab Emirates", *International Journal of Public Administration*, 43(5), 441-451.